

# بررسی منابع و پژوهش‌های تاریخ کوشانیان

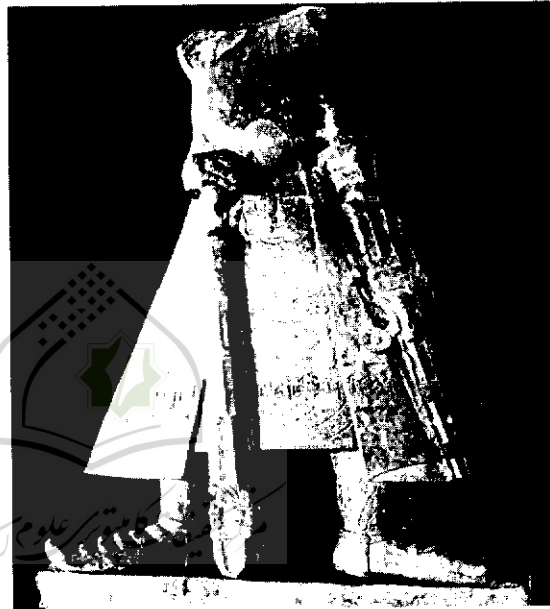
● لاله فرزین‌فر

مؤسس سلسله کوشانی که بر روی سکه‌های آغازین خود عنوان یاوونگا (یابگو) داشت، پس از کسب پیروزی‌های بزرگ عناوین مهاراجا<sup>۷</sup> (شاه بزرگ)، راجاتراجا<sup>۸</sup> (شاه شاهان) و دوپوترا<sup>۹</sup> (سپر خدا) را برای خود برگزید و با حکمرانان هندی، پارسی و چینی ادعای برابری کرد. جانشینان او عبارت بودند از ویما کدفیسیس<sup>۱۰</sup> (حدود ۱۱۳-۱۰۱ م.)، کانیشکای اول<sup>۱۱</sup> (حدود ۱۵۶-۱۳۴ م.)، واشیشکا<sup>۱۲</sup> (حدود ۱۶۴-۱۵۷ م.)، کانیشکای دوم (حدود ۱۶۷-۱۵۸ م.)، هویشکای اول<sup>۱۳</sup> (حدود ۱۸۲-۱۵۸ م.)، هویشکای دوم (حدود ۱۹۳-۱۸۳ م.) و واسودوای اول<sup>۱۴</sup> (حدود ۲۳۳-۱۹۴ م.).

دوره کوشان‌های کبیر (حدود ۲۵۰ تا ۲۳۳ م.) عصر طلایی آسیای مرکزی در دوره باستان بود. کوشانیان به تدریج قلمرو حکومت خود را وسعت بخشیدند و در نقاط دوردست هند دست به لشکرکشی زدند. قلمرو حکومت آن‌ها در برگیرنده تمامی جاده‌های بازرگانی بود که کالا‌های چینی مانند ابریشم و سایر منسوجات، ادویه، اجبار کریمه و ظروف فلزی، از طریق آن‌ها به حوضه تاریخ آورده می‌شد، تا به قلمرو پارت، مصر و روم صادر شود. به این ترتیب کوشان‌ها می‌توانستند تمامی بازرگانی شرقی - غربی را که از آسیای مرکزی عبور می‌کرد تحت کنترل داشته باشند.<sup>۱۵</sup>

کوشانیان با دوسلسله ایرانی اشکانیان (۲۵۰ ق.م. - ۲۲۶ م.) و ساسانیان (۲۲۴-۶۵۲ م.) هم عصر و هم مرز بودند و در نتیجه بر سیاست خارجی این دو دولت نیز تأثیر می‌گذاشتند. حضور چنین قدرتی در شرق ایران باعث می‌شد تا در صحنه سیاست آن روزگار، ایران به شکل قدرتی میانه، بین دو امپراتوری کوشانی و روم قرار گیرد و به ناچار مسائل شرقی را به منازعات غربی خود اضافه نماید. به علاوه از لحاظ اقتصادی کشور کوشان‌ها تهدیدی برای ایران، به خصوص در عصر امپراتوری پارتیان بود، زیرا کوشان‌ها (هم‌چنان که ذکر شد) مثل پارت‌ها در مبادلات تجاری از مزایای ترانزیت استفاده می‌کردند و قسمتی از جاده ابریشم را در اختیار داشتند.

ظهور پادشاهی مقتدر کوشانی در مجاورت خاندان چینی‌هان در مشرق و امپراتوری ایران در مغرب، باعث شد قدرت‌های بزرگ آن زمان به چهار امپراتوری روم، ایران، چین و کوشان محدود گردند. همه سرزمین‌های متمدن جهان باستان طی قرون متمادی به نوعی



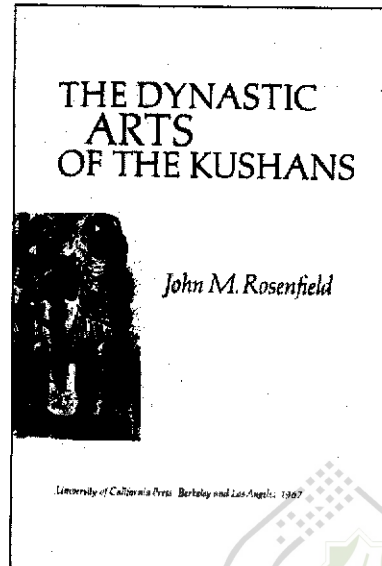
درآمد:

امپراتوری کوشان یکی از قدرت‌های بزرگ جهان باستان به‌شمار می‌رفت که قلمرو وسیعی شامل بخش‌هایی از روسیه، افغانستان و هند امروز را در بر می‌گرفت. خاستگاه این سلسله ناحیه‌ای است که در حال حاضر آسیای مرکزی خوانده می‌شود و شالوده آن به دست مردمانی کوچ‌رو بنا گردید که در تاریخ به نام یوئه‌چی<sup>۱</sup> شناخته شده‌اند.

بر اساس منابع چینی در اوایل قرن دوم پیش از میلاد، یوئه‌چی‌ها از همسایه شرقی مجاور خود قبیله، هیونگ - نو یا هسیونگ - نو<sup>۲</sup>، هزیمت یافتند و از سرزمین خود واقع در ایالت کانسو در چین رانده شدند. پس از نزاع‌های متعدد، در حدود سال ۱۲۹ پ.م. یوئه‌چی‌ها به همراه چندین قوم مهاجم دیگر بر باختر تاختند و شاهنشاهی یونانی آن را مضمحل نمودند.<sup>۳</sup> سپس قلمرو باختر را به پنج یابگو<sup>۴</sup> (شاه نشین) تقسیم کردند.<sup>۵</sup> مقارن با آغاز عصر مسیحی، رئیس یابگوی کویی شوانگ، کوچولاکدفیسیس<sup>۶</sup> (حدود ۱۰۰-۵۰ م.) سایرین را مطیع ساخت و سلسله خویش را با نام کوشانیان بنیاد نهاد.

پرتوهای از مجسمه کانیشکا، شاه کوشانی

خاستگاه سلسله کوشانی  
ناحیه‌ای است که در حال  
حاضر آسیای مرکزی خوانده  
می‌شود و شالوده آن به دست  
مردانی کوچ‌رو بنا گردید که در  
تاریخ به نام «یونه‌چی»  
شناخته شده‌اند



ایجاد اتحاد علیه هیونگ نوها در سال ۱۳۹/۱۳۸ پ.م. به سوی یونه‌چی‌ها روانه شد. او در طی ماموریت خود سال‌ها اسیر هیونگ نوها گردید و سرانجام در سال ۱۲۶ پ.م. با ناکامی از انجام ماموریت خویش به چین بازگشت. گزارش او در فصل ۱۲۳ تاریخ شی‌چی گنجانده شده است.

یادداشت‌های چانگ - کین مهم‌ترین منبع در شناخت تاریخ آسیای مرکزی به شمار می‌رود. این منبع شامل شرح دقیقی درباره سرزمین واقع میان فرغانه و باختر است. براساس اظهارات او، آسیای مرکزی در آن دوران سرزمینی پرجمعیت با شهرهای متعدد و کشاورزی شکوفا بوده است. به احتمال زیاد چانگ کین زمانی به قرارگاه مرکزی یونه‌چی‌ها رسید که آن‌ها به تسلط یونانی‌ها بر شمال و جنوب آمودریا پایان بخشیده بودند. زیرا نقل می‌کند که تاهسیا<sup>۲۱</sup> (باختر) دارای حکمرانان عالی نبوده و هر شهری زیر نظر شاهزاده خود اداره می‌شده است.<sup>۲۲</sup>

۲) سالنامه‌های چینی تسین‌هان‌شو (تاریخ سلسله هان متقدم)<sup>۲۳</sup> اثر پان - کو<sup>۲۴</sup> و هوهان‌شو (تاریخ سلسله هان متاخر)<sup>۲۵</sup> اثر فن - یه.<sup>۲۶</sup> مندرجات سالنامه‌ها، به خصوص هوهان‌شو، مکمل گزارشات شی‌چی هستند و خلاصه‌ای از موقعیت سیاسی منطقه را در دوران پس از تصرف باختر، تشکیل یابگوهای پنج‌گانه، فرمانروایی کوچولاکدیفیسس و جانشین او ویماکدیفیسس ارائه می‌دهند. تاریخ فن - یه دوره میان سال‌های ۲۵ تا ۲۳۰ میلادی را دربرمی‌گیرد و در شرح مختصر خود درباره آغاز تاریخ کوشان‌ها از شکست یکی از شاهان کوشانی به دست چینی‌ها در سال ۹۰ م. ذکری به میان می‌آورد.<sup>۲۷</sup>

تحت سلطه یا نفوذ چهار قدرت مزبور یا یکدیگر مرتبط بودند. در سال ۲۲۰ میلادی امپراتوری هان منقرض گردید. پارت‌ها از جنگ با رومی‌ها صدمه دیدند و اختلافات داخلی در سیاست ایران طلوع ساسانیان را در ۲۲۴ م. در پی داشت. مقارن با این احوال از دست رفتن شمال سیر دریا و کنترل جاده ابریشم در سغد، بر موقعیت اقتصادی و سیاسی کوشان‌ها تأثیر زیادی گذاشت. هر چند ایالات هندی امپراتوری آن‌ها بدون تغییر باقی ماند، ولی کوشانیان در ایران با امپراتوری قدرتمند ساسانی روبرو شدند.

فروپاشی امپراتوری کوشان به سرعت صورت گرفت. قلمرو واسودوای اول بین واسودوای دوم که در باختر حکومت داشت و کانیشکای سوم حاکم قندهار و ماثورا تقسیم شد. در چنین موقعیتی اردشیر اول، شاه ساسانی، به امپراتوری کوشان یورش آورد و باختر را تصرف کرد. واسودوای دوم که قادر به مقاومت نبود با قبول برتری فارس‌ها، قلمرو حکومتش محدود به کوشانشهر شد و به صورت یکی از دولت‌های دست‌نشانده ایران ساسانی درآمد. قسمت شرقی امپراتوری کوشان استقلال خود را حفظ کرد و پادشاه آن‌جا، کانیشکای سوم، عصر جدیدی را آغاز کرد، یعنی عصر کوشان‌های متاخر که از سال ۲۲۴ م. آغاز می‌شد و تا قرن نهم میلادی به حیات خود ادامه داد. فروپاشی امپراتوری کوشان وضع جدیدی را به وجود آورد. قدرت مرکزی که بازگانی شرق - غرب را کنترل می‌کرد، دیگر از بین رفته بود و سازماندهی مجدد بازگانی راه دور میان چین و مدیترانه فقط در یک قرن بعد امکانپذیر گردید.

#### الف - منابع نوشتاری:

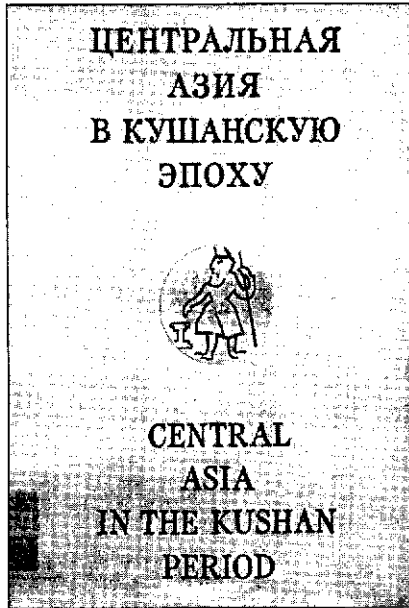
منابع نوشتاری درباره کوشانیان محدود است به توصیفات که سالنامه‌های چینی از بربرهای غربی داده‌اند و اشاراتی به باختریان که در منابع کهن یونانی و لاتینی وجود دارد. منابع هندی نیز تنها به آن بخش از تاریخ کوشانیان می‌پردازند که بر شبه‌قاره استیلا داشته‌اند.

#### ■ منابع چینی:

نام یونه‌چی برای نخستین بار در منابع چینی آورده شده است، برجسته‌ترین این منابع عبارتند از:

۱) گزارشات تاریخی سسه - گی یا شی‌چی<sup>۲۸</sup> که به وسیله شو - ما - چی ان یا سه - ما - تسین<sup>۲۹</sup> تکمیل گردیده است. این گزارشات که مارکوارت<sup>۳۰</sup> و مولر<sup>۳۱</sup> آن‌ها را ترجمه کرده‌اند، پیش از سال ۹۱ پ.م. تدوین گردیده و حاوی اطلاعات ارزنده‌ای درباره مطلع تاریخ یونه‌چی‌ها براساس گزارشات چانگ - کین<sup>۳۲</sup> هستند. چانگ - کین سفیر امپراتوری نیرومند چین - ووتی از دودمان هان بود که برای

## کوشانیان با دوسلسله ایرانی اشکانیان و ساسانیان هم عصر و هم مرز بودند و در نتیجه بر سیاست خارجی این دو دولت تأثیر می‌گذاشتند



خوانده می‌شد. به نظر می‌رسد که شاه سرور، کانیسکای دوم بود که توانست آئین آئیدو (پیروزی) را در سرخ کتل احیا کند<sup>۳۸</sup> و دلیل آن هم پیروزی او بر پارت‌ها در حدود ۱۶۲ م. بوده است.<sup>۳۹</sup>

■ کعبه زرتشت: (SKZ)<sup>۴۰</sup>، تاریخ کتیبه ۲۶۲ م. (شاپور اول ۲۷۲ - ۲۴۱ م) شاهنشاه ساسانی، شرح فتح و پیروزی خویش را در مرزهای شرق و غرب کشورش بر دیوار کعبه زرتشت نگاشته است. او در ضمن شرح شکست دادن رومی‌ها در جبهه غرب، کشورهای جزو شاهنشاهی خود را نام می‌برد و ادعا می‌کند قلمرو او در مشرق علاوه بر پارت، مرو، هرات، سیستان، توران، مکران، پارادنه و سند، سرزمین کوشان‌ها تا پیشکیور (پیشاور؟)، کاشغر، سغدیان و تاشکند<sup>۴۱</sup> را در برمی‌گرفت. به عبارت دیگر قلمرو کوشان، دست‌کم تا دره‌های مرز شمال غرب پاکستان امروزی جزو امپراتوری شاپور بوده است و فرمانروای کوشانی که هویت او معلوم نیست، به اطاعت او تن در داده بود.

شاپور پسر خود نرسی (۳۰۲ - ۲۹۳ م.) را به حکومت هند، سیستان و توران تا ساحل دریا گماشت (SKZ، سطر ۲۴)، اما در دربار او کوشانشاه وجود ندارد. بنابراین کوشان در این زمان به وسیله شاهزادگان ساسانی اداره نمی‌شد و می‌توان چنین استنباط کرد که پادشاه کوشان به اطاعت او گردن نهاد، اما عنوان خود را تحت سیادت ساسانیان حفظ کرد. نکته دیگری که از متن کتیبه روشن می‌شود این است که شاپور، از پدرش اردشیر بابکان (۲۴۱ - ۲۲۶ م.) بانام شاهنشاه ایران یاد می‌کند، در حالی که خودش را شاهنشاه ایران و

۳) دایرة المعارف ون - هسین - تونگ - کائو تألیف ما - توان - لین که در قرن سیزدهم تدوین گردیده و رموسات آن را ترجمه کرده است. این اثر با وجود آن که به قرن سیزدهم تعلق دارد، شامل ارجاعات زیادی به منابع اولیه تاریخ یونانی‌ها است. ■ منابع یونانی:

منابع غربی از اشاره به تاریخ کوشانیان بی‌بهره نیستند و در مجموع منابع مزبور به طور کامل بیان‌کننده همان روایتی هستند که بر شمردیم. جغرافیای استرابو، از جمله مهم‌ترین منابع یونانی حاوی اطلاعات مفید درباره کوشانیان است.

استرابو جهانگرد بزرگی بود که در سیر و سیاحت خویش تا ارمنستان پیش رفت. او کتاب خود را در حدود سال ۱۹ م. نگاشته و بسیاری از تالیفات یونانی را در تدوین اثرش مورد اقتباس قرار داده است. جغرافیای او مهمترین و اصلی‌ترین منبع درباره حیات کوچ‌روهای آسیای مرکزی است. استرابو به هنگام توصیف وضعیت حوزه کوچ‌روی آسیای مرکزی، از بیابانگردانی که باختر را از یونانی‌ها ستاندند با نام‌های آسی، Asi، پاسیانو Pasiano، تخاری Taxari و سکارائولی (Sarauca (read: Sacaraucae) یاد می‌کند. بی‌شک او از همان قبایلی سخن می‌گوید که در منابع چینی از آن‌ها یاد شده است، اما در این که کدام یک از آن‌ها با قوم یونانی منطبق است، مابین محققان اختلاف نظر وجود دارد.

سایر مؤلفان یونان باستان که در ارتباط با تاریخ کوشانیان و به خصوص یونانی‌ها مطالبی ارائه می‌دهند، عبارتند از هرودوت که در کتاب چهارم خود بحث مفصلی درباره سیت‌ها<sup>۳۸</sup> دارد.<sup>۳۹</sup> بطلمیوس، مورخ و جغرافیادان یونانی که در سال دوم در اسکندریه می‌زیست و کتابش در زمینه شرح راه‌های باستان، نام باستانی شهرها، رودخانه‌ها و کشورهای بسیار ارزشمند است.<sup>۴۰</sup> هم‌چنین در این باره می‌توان از آپولونیوس<sup>۴۱</sup>، ایزدور خاراکی<sup>۴۲</sup>، پلینی<sup>۴۳</sup>، دیون کاسیوس<sup>۴۴</sup> و آمیانوس مارسلینوس<sup>۴۵</sup> نام برد.

ب: کتیبه‌ها:

■ سرخ کتل: (SK4)<sup>۴۶</sup>، تاریخ کتیبه متعلق به عصر کانیسکای دوم یا هوویشکای اول، احتمالاً ۱۶۴ م. (سرخ کتل، معبد عظیمی است که در جاده اصلی کابل به مزار شریف قرار دارد و کتیبه‌های متعددی در آن یافت شده است. این کتیبه‌ها پرسش‌های بسیاری در زمینه زبان‌گفتاری کوشان‌ها مطرح می‌کنند. به عقیده هنینگ، زبان کوشان‌ها گونه‌ای از شاخه ایرانی و باختری است و کاملترین نام برای آن زبان بومی یاختر است.<sup>۴۷</sup> بنابراین متن کتیبه SK4 که در سرخ کتل به دست آمده، شاه سرور نیایشگاه را ساخت که «کانسکو»

قلمرو کوشانیان،  
در برگیرنده تمامی  
جاده‌های بازرگانی بود  
که کالاها ی چینی  
مانند ابریشم و سایر  
منسوجات، ادویه،  
احجار گریمه و ظروف  
فلزی از طریق آن‌ها به  
حوضه تاریخ آورده  
می‌شد، تا به پارت،  
مصر و روم صادر شود

## کتاب بطلمیوس، مورخ و جغرافیادان یونانی، در زمینه شرح راه‌های باستان، نام باستانی شهرها، رودخانه‌ها و کشورها بسیار ارزشمند است

سرخ کتل، معبد عظیمی است که در جاده اصلی کابل به مزار شریف قرار دارد و کتیبه‌های متعددی در آن یافت شده است. این کتیبه‌ها پرسش‌های بسیاری را در زمینه زبان گفتاری کوشان‌ها مطرح می‌کنند

بود که حاوی مقالات تخصصی شرکت کنندگان درباره تاریخ یونانی‌ها و کوشانیان است.

تواریخ افغانستان اغلب مبحث کوشانیان را در خود جای داده‌اند، اما بیشتر به شکل تکرار مطالب یکدیگر و بدون استناد به منابع معتبر. در این میان کتاب تاریخ امپراتوری کوشانیان اثر نظر محمد غریزی به لحاظ توضیح کاملی که از مسکوکات کوشانی ارائه می‌دهد و توجه به هنر و مراکز هنری عصر کوشانی شایان توجه بیشتری است.

منابع هندی در این زمینه غنی‌ترند. کتب تاریخی هند، به خصوص آثاری که به تواریخ سلطنتی شمال آن توجه دارند، به تاریخ کوشانیان به عنوان امپراتوری قدرتمندی که بخش‌های بزرگی از آن شبه قاره را تحت سلطه داشته است، می‌پردازند. بسیاری از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که امپراتوری کوشان اصلاً هندی بوده است، زیرا ثروتمندترین پاره آن در شبه قاره قرار گرفته بود. به علاوه اکثر جمعیت امپراتوری در سرزمین‌های پست قندهار، پنجاب و حوزه گنگ سکونت داشته‌اند و بازرگانان هندی و دیرنشینان بودایی در سراسر قلمرو کوشان پراکنده بودند. اما پرچاره نلسون فرای، ایرانشناس برجسته در جدیدترین اثر ترجمه شده خود، تاریخ باستانی ایران، معتقد است که فرمانروایان سلسله از هندیان نبوده، پایه‌های حکومتی آن‌ها بیشتر ایرانی بوده است و با گذشت زمان عوامل هندی هم اهمیت یافته‌اند. فرای تاریخ کوشانیان را نه تنها در ارتباط با تاریخ ایران، بلکه به صورت جزئی از آن مورد بررسی قرار می‌دهد.

در تألیفات قابل توجه مورخان هندی در این باره که در ایران موجود است، می‌توان به کتاب Eerly Kushanas اثر ب. کومار اشاره کرد. این کتاب با قلمی ساده و روان نگاشته شده و حاوی مفصل‌ترین اطلاعات درباره هر یک از کوشانیان کبیر اعم از نویسه‌های مختلف اسمی، متصرفات، مذهب و مسکوکات آن‌هاست. به علاوه، شرح کاملی از کتیبه‌های شاهان کوشانی و معرفی جامعی از منابع تاریخ این سلسله در آن موجود است.

متأسفانه در ایران این مبحث بسیار مهجور واقع شده و مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. از اقدامات معدود ایرانیان در این زمینه می‌توان به کتاب باختر به روایت تاریخ، تألیف خانم هایده معیری اشاره کرد که با به کار گرفتن مطالعات و تحقیقات انگلیسی و منابع فارسی متعدد نگاشته شده است. محور اصلی مباحث کتاب باختر به روایت تاریخ، نگارش تاریخ سرزمین باختر است و کوشانیان به عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های تکوین یافته در این ناحیه بخش اعظمی از این اثر را به خود اختصاص داده‌اند.

انیران می‌خواند، بدین معنا که سرزمین‌های بیرون از ایران نیز به شاپور سرسپرده بودند. گرچه روشن نیست سرزمین ایران از دیدگاه ساسانیان به کدام مرزها محدود بوده است، اما به یقین کوشانشهر یکی از قلمروهایی بوده که تصرف آن شاه ساسانی را به این لقب پرافتخار نایل کرده است.

■ پایکولی: (NPK<sup>۲۲</sup> تاریخ کتیبه ۲۹۳ م.) در کتیبه نرسی (۳۰۲-۲۹۳ م.) در پایکولی، فهرست مستقل و نیمه مستقل اشرافی که هنگام به تخت نشستن نرسی به او یاری رساندند ذکر شده است. شاه کوشان Kwsn MLK نیز در میان آن‌هاست، اما چیز دیگری درباره او نمی‌دانیم.

کتیبه‌های متعدد و پراکنده دیگری نیز درباره کوشانیان وجود دارد که بیشتر آن‌ها از کوشان‌های کبیر به جامانده‌اند. ولی شناسایی تاریخ آن‌ها سال‌هاست پژوهندگان را در تردید گذاشته است. در واقع گاهشماری‌های مربوط به فرمانروایان کوشانی روشن و دقیق نیستند و تاریخ‌های آن‌ها را جز با حدس و گمان و قرینه‌های ذهنی نمی‌توان با گاهشماری‌های مغرب پیوند داد. اما سکه‌ها مهم‌ترین و قابل اعتمادترین سند برای بازسازی تاریخ برجسته‌ترین دودمان باستانی در شرق ایران پیش از اسلام هستند و شناخت تاریخ امپراتوری کوشانی بدون بررسی و تکیه بر شواهد سکه‌شناسی مقدور نیست. به همین دلیل تحقیق درباره مسکوکات کوشانی در مطالعات کوشان‌شناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

### ج- پژوهش‌ها و تألیفات:

تتبع درباره کوشانیان در بررسی‌های تاریخی کشورهای چون روسیه، افغانستان و هند، مبحثی ناشناخته نیست. اغلب محققان دوره باستان در این کشورها به تاریخ یونانی‌ها و کوشانیان اشاراتی داشته‌اند و باستان‌شناسی نیز در این زمینه اطلاعات ذیقیمی در اختیار آن‌ها گذاشته است. به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اهمیت یافتن کشورهای واقع در حوزه آسیای مرکزی، توجه به تاریخ این منطقه افزایش یافتن و مقالات و کتاب‌های متعددی در این باره به رشته تحریر درآمد.

در سال ۱۹۶۸، به موجب دعوتی که از طرف یونسکو و انستیتوی خاورشناسی شوروی به عمل آمد، کنگره خاورشناسی درباره تمدن و فرهنگ آسیای میانه و پادشاهی کوشان قدیم در شهر دوشنبه، پایتخت جمهوری تاجیکستان تشکیل گردید. از کشور ایران دکتر جواد مشکور، ابوالحسن دهقان و علی سامی در این کنگره شرکت داشتند. محصل این کنفرانس چاپ دو کتاب ارزشمند "Kushan Studies in USSR" و "Central Asia in the Kushan Period"

## جغرافیای استرابو مهم ترین و اصلی ترین منبع یونانی درباره حیات کوچ‌روهای آسیای مرکزی است

ریچارد فرای معتقد است که فرمانروایان سلسله کوشانی از هندیان نبوده، پایه‌های حکومتی آن‌ها بیشتر ایرانی بوده است و با گذشت زمان عوامل هندی هم اهمیت یافته‌اند

اثر قابل توجه دیگر نیز کتاب ساسانیان تألیف دکتر اردشیر خداداد بیان است که در بخش پایانی آن تاریخ یوئه‌چی‌ها و کوشانیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سایر منابع نیز تنها به اشاراتی گذرا، پرابهام و گاه نادرست اکتفا کرده‌اند.

محققان غربی در این زمینه نیز مانند اغلب موارد، گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. ارزشمندترین و صحیح‌ترین اطلاعات درباره این امپراتوری بزرگ و با اهمیت شرق را می‌توان در منابع غربی یافت. کتاب‌ها و مقالات تخصصی به همراه نقشه‌های جغرافیایی، تصاویر سکه‌ها و کاوش در آثار باستانی کوشانیان از مطلع تاریخ یوئه‌چی‌ها تا سقوط امپراتوری را به بهترین نحو و کامل‌ترین شکل می‌توان در آثاری چون تحقیقات دانشگاه کیمبریج، پژوهش‌های سازمان یونسکو و مجلات مختلف انگلیسی زبان یافت.

در واقع بدون تکیه بر منابع خارجی به هیچ وجه نمی‌توان پژوهشی جامع و قابل توجه درباره تاریخ این مردمان و سلطنتی که بنا نهادند، انجام داد. درباره تاریخ یوئه‌چی‌ها و مهاجرت‌هایشان عمده‌ترین مطالعات عبارتند از:

جلد دوم کتاب *History of Civilizations of Central Asia* که به صورت مجموعه مقالات محققان توسط یونسکو چاپ و منتشر شده است. هدف یونسکو از این طرح، شناخت تمدن مردمان مناطق آسیای مرکزی بر اساس باستان‌شناسی، تاریخ، زبان و ادبیات آن‌ها بوده و بی‌شک کتاب مذکور تا حد بسیار زیادی به آن جامه عمل پوشانده است.

کتاب *Cambridge History of early inner Asia* منبعی بسیار غنی، کارآمد و تخصصی در زمینه استفاده از منابع نوشتاری دست اول و ارائه نقشه به‌شمار می‌رود.

درباره تهاجم کوچ‌روها به باختر مطالعات قابل توجه عبارتند از: *The Greeks in Bactria and India*، کتاب بسیار ارزشمند تارن که از مهم‌ترین منابع درباره تاریخ یونانیان باختر است. تارن در اثر خود اقوامی را که به حیات شاهنشاهی یونانی باختر خاتمه دادند، به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد. این کتاب در زمره منابعی است که ارزش ترجمه کامل به فارسی را دارد.

تاریخ باستانی ایران، جدیدترین اثر ترجمه شده ریچارد نلسون فرای به قلم مسعود رجب نیا که با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای باستان‌شناسی نگاشته شده و حاوی فرضیات، پرسش‌ها و نظریات تازه‌ای درباره تاریخ ایران باستان است. معرفی کامل منابع مربوط به هر مبحث در آغاز آن بر ارزش کتاب می‌افزاید.

درباره تاریخ امپراتوری کوشان برجسته‌ترین پژوهش‌ها عبارتند از:

*Dynastic art of the Kushanas*، اثر علمی و بسیار تخصصی

جی. م. روزنفیلد با نثری سنگین و دشوار و در عین حال زیبا به نگارش درآمده است. درباره مسکوکات پادشاهان کوشانی، اثر روزنفیلد حاوی دقیق‌ترین اطلاعات شامل توضیح تصاویر، خط سکه‌ها و مونوگرام‌ها است و نیز در مقایسه با سایر منابع سکه‌شناسی مانند کتاب کومار و اثر پرسنی گارنر تقسیم‌بندی بهتری برای سکه‌ها دارد. اما متأسفانه تعدادی از سکه‌های کانیشکا در این اثر فاقد توضیح پشت سکه‌هاست.

*The Coins of the Greek and Scythic Kings of Bactria and India in the British Museum*، اثر پرسنی گارنر که تنها به مسکوکات کوشانیان اختصاص دارد. اگرچه گذشت زمان و انجام تحقیقات جدیدتر در این باره به تدریج آن را در حاشیه قرار می‌دهد، اما هنوز اثر ارزشمندی به‌شمار می‌رود و به کرات مورد استفاده محققان قرار می‌گیرد. درباره مناسبات امپراتوری کوشانی با امپراتوری اشکانی منابع معدود با اشاراتی پراکنده وجود دارد، اما مناسبات با ساسانیان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. منابعی که بیشتر به این موضوع پرداخته‌اند عبارتند از:

*Central Asia in the Kushan Period*، این کتاب دو جلدی شامل مجموعه مقالات شرکت‌کنندگان در کنفرانسی است با عنوان: *Conference of the history, Archaeology and Culture of Central Asia in the Kushan Period*، کنفرانس مزبور در سال ۱۹۶۸ در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان به دوزبان انگلیسی و روسی برگزار شده است. خلاصه انگلیسی مقالات روسی نیز در این کتاب موجود است. شاهنشاهی اشکانی، اثر یوزف ولسکی، متخصص برجسته تاریخ اشکانیان که مقالات و تألیفات متعددی درباره تاریخ این امپراتوری شرق باستان به رشته تحریر درآورده، اما متأسفانه آثار او کمتر به فارسی ترجمه شده‌اند. ترجمه اثر یاد شده به قلم مرتضی ثاقب‌فر صورت گرفته است. ولسکی در اثرش اشاره مستقیمی به مناسبات کوشان و پارت ندارد، اما برای روشن شدن تحولات سیاسی جامعه ایران در هنگامی که با امپراتوری کوشان همسایه گردیده بود، بسیار مفید است.

ایران باستان، اثر یوزف ویسهوفر با ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، مشتمل بر تاریخ تحلیلی ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ میلادی است که می‌تواند برای تحلیل رویدادهای معاصر در ایران، هم‌زمان با عصر امپراتوری کوشانی مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت:

1- Yueh-Chih

2- Hiung-no or Hsiung-nu

۳- درباره باختر یونانی نگاه کنید به:



یادداشت‌های «چانگ - کین» مهم‌ترین منبع در شناخت تاریخ آسیای مرکزی به شمار می‌رود و شامل شرح دقیقی درباره سرزمین واقع میان فرغانه و باختر است

پرتوهای از مجسمه ویما کد فیسیس، شاه کوشانی



کتاب تاریخ امپراتوری  
کوشانیان نوشته  
نظر محمد عزیزی به  
لحاظ توضیح کاملی که از  
مسکوکات کوشانی ارائه  
می‌دهد و توجه به هنر و  
مراکز هنری عصر کوشانی  
شایان توجه است

Louis Dupree, Afganistan, prinsston university press, 1973, pp296-309

16- Sse-Ki or Shi-Ki

17- Ssu-ma-chiez or Se-ma-Tsien

18- Marquart, Erinshahr, Berlin, 1901, pp. 201 ff.

19-F.W.K.Muller. Sitzungsherichte der Preussischen Akademic der Wissen Schaften in Berlin, 1918, pp. 566 ff.

20- Chang-Kien

21- Tahsia

۲۲- آ. بلینتسکی، خراسان و ماوراءالنهر، ترجمه پرویز ورجاوند، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۴.

23- Tsien Han chou (History of the First Han Dynasty). 903-692. pp, 3791, sser Pytisrevin U notsn

24- Pan - Ku

25- Heou Han Chou (History of the Later Han Dynasty)

26- Fan - Ye

27- Fan - Ye, **Heou Han Chou** translated by E. chavannes in **Taung Pao**, Serie II, 1901, tome VIII, chap 118, Cited in Denis Senor, **Cambridge History of early Inner Asia** Cambridge University Press. 1942, p. 159.

۲۸- در فاصله زمانی قرن‌های هفتم تا سوم پیش از میلاد گستره آسیای مرکزی به وسیله شمارکنبری از قبایل مسکونی شد که در منابع یونان باستان نام سیت یا اسکیت Scythian دارند. این مردمان

H.G. Kawlinson, Bactria, the History pf Forgotten Empire, Ams Press, NewYurk, 1969; w.w.Tarn, The Greeks in Bactria and India, Cambridge the University Press 1966; Pery Gardner, The Coins of Greek and Scythian King of Bactria and India in British Museum, ed. Reginald Stuart Pool, Printed in USA, 1966; New Finds in Bactria and India-Iranian Connection South Asian Arcology, Papers from the Forth Archaeologists in Western Europ, ed. Maurizoi Taddei, vol.2.Naples, 1969.

هایده معیری، باختر به روایت تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.

۴- Yabghu، عنوانی است که در ادوار قدیم برای حکمرانان دولت‌های ترک به کار می‌رفت. کاربرد عنوان مزبور پیش از عناوین خاقان و کاقان در نزد دولتمردان مورد استفاده داشت. قدیمی‌ترین مورد استعمال آن به منزله حکمران و فرمانروا در امپراتوری هون‌ها (۲۲۰ پ.م - ۴۹۶ م) بوده است. حکمرانان خزر نیز پیش از آن که خزرها تحت حاکمیت و فرمان گوگ ترک‌ها قرار گیرند، این عنوان را داشته‌اند. عنوان یابگو پس از دوره سلجوقیان کاربردی مترادف با بیگ پیدا کرد.

Maydan Larousse, Bujuk Lugat ve Ansiklopedi, meydan yayinevi, Cagaloglu, sultanmektebi Sokak, Istanbul, 1988, vol.12.

۵- یابگوهای پنجگانه عبارت بودند از: هیو - می (Hieu-mi) شوانگ - می (Shuang - mi) کویی - شوانگ (Koei-Shuang) هی - تون (Hi-touen) و تو - می (Tou-mi).

6- Kujula Kadphises

7- Maharaja

8- Rajatiraja

9- Deva Putra

10- Wima Kadphises

11- Kanishka

12- Vashishka

13- Huvishka

14- Vasudeva

۱۵ - نگاه کنید به:

33- Pliny, **Naturalis Historia**, translated in J.W.MC Crindle, **Ancient India as described in Classical Literature**, Westminster, 1901, pp. 102-135.

34- Dion Cassius, **History of Rome**, translated in Ibid, pp. 212-13.

35- Ammianus Marcellinus, **History**, translated in J.W.MC Crindle, **Ancient India as described by Ptolemy**, Bombay, 1885, pp. 323-29.

36- Surkh Kotal

37- W.B. Henning, **The Bactrian Inscription**, BSOAS (Bulletin of the School of Oriental and African Studies), XXIII, 1960, p.47.

38- J.Harmatta, **Languages and Literature in the Kushan Empire** *History of Civilizations of Central Asia*, p.432.

۳۹- نوشته‌های بودایی خبر از جنگی توسط کانیسکا علیه پارت‌ها می‌دهند. به عقیده گیرشمن ممکن است این جنگ در زمان بلاش سوم (۱۹۱-۱۶۱م) صورت گرفته باشد، رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۱۰. درباره مناسبات پارت‌ها و کوشان‌ها نگاه کنید به:

A.Dehkan, **The relationship of Kushan and Parthians Empire Central Asia in the Kushan Period**, Published by the Committee on Study of Civilization of Central Asia of the USSR for Shapur I on the Kaaba of Zoroaster.

40- SKZ: **The Inscription of Shapur I on the Kaaba of Zoroaster**.

این کتیبه به سه زبان فارسی میانه، پارتی و یونانی نگاشته شده است. نگاه کنید به:

V.Lukonin **Sassanian Conquests in the East of Iran and the Problem of Kushan Chronology** Ibid, p. 306.

Kwsnxstr xnprxs 'L pskbwr w xn 'L K's

۴۱- نوشتار کتیبه‌ای:

R.N.Frye, **Sassanian Inscriptions and Kushan History Central Asia in the Kushan Period**, vol II, p.151.

42- NPK: **The Inscription of Narseh in Paikuli**.

سکه‌ها مهم‌ترین و قابل اعتمادترین سند برای بازسازی تاریخ برجسته‌ترین دودمان باستانی در شرق ایران پیش از اسلام هستند و شناخت تاریخ امپراتوری کوشانی بدون بررسی و تکیه بر شواهد سکه‌شناسی مقدور نیست

منابع نوشتاری درباره کوشانیان محدود

است به توصیفات که سالنامه‌های چینی از بربرهای غربی ارائه داده‌اند و اشاراتی به باختریان که در منابع کهن یونانی و لاتینی

وجود دارد

از لحاظ نژادی با یونانی‌ها شباهت‌هایی دارند. برای اطلاع بیشتر درباره سیت‌ها نگاه کنید به:

Strabo, V, Book XL, pp 189, 245-7; J.Hottun, **Central Asia From the Aryans to the Sassanians**, P. natsinagfA, eerpuD siuoL.81.to the Cossak, Kraus Thomson, p.3791, ilheD weN, srehsilbuP gniiretS, sanahsuK ylae ehT, ramuK vedlaB Organization LTD. NedIn/Leichtenstein, 1976; Janos Harmatta, ed. **History of Civilizations of Central Asia**, UNESCO, 1944, Vol II, p. 23.

29- Herodotus, **The History**, A new Translation by Aubrey De Selen Court, Penguin Book, 1954, Book Four.

30- Ptolemy, **An outline of Geography**, translated by J.W.MC Crindle in the **Ancient India as described by Ptolemy**, Bombay, 1885.

31- Apollonius, **Life of Apollonius of Tyana**, Translated by O.D.B. Priault in the **Indian Travels of Apollonius of Tyana**, London, 1813.

32- Isidore of Charax. **Mansiones Parthicae Geographiae Graeci Minores**. Edited and translated by W.H.Schoff in the **Parthian Stations of Isidore of Charax**, Philadelphia, 1914.